

فرهنگ‌رزی

یک شنبه

۲۶ خرداد ۱۳۹۸

۱۲ شوال ۱۴۴۰

۸ صفحه/شماره ۴۱۵۲

حکمت روز
پیامبر اکرم (ص)

هر کس روزی دارد که حتما به او خواهد رسید . پس هر کس به آن راضی شود، برایش پُر برکت خواهد شد و او را بس خواهد بود و هر کس به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را بس خواهد بود. روزی در پی انسان است، آن گونه که اجلبش در پی اوست.
اعلام الدین ص ۳۴۲

مناجات
علامه حسن زاده املی

الهی، دل دادهٔ معنار از لفظ چه خبر و شیفته مسماَر از اسم چه اثر.

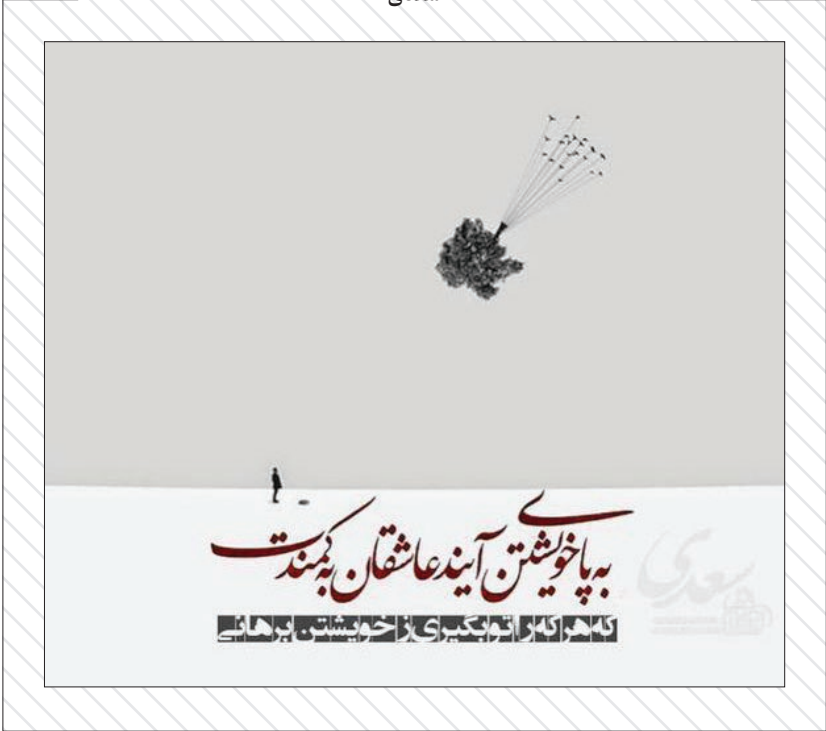
الهی، کلمات و کلامت که این قدر دلنشین اند، خودت چونی؟

الهی، اگر از من پرسند کیستی، چه گویم؟

الهی، هر چه بیشتر فکر می کنم دور تر می شوم.

الهی، داغ دل را نه زبـان توانـد تقریر کند و نه قلم یار ده تحریر رساند؛ الحمدلله که دلدار به ناگفته و نا نوشته آگاه است.

با شاعران
سعدی



خراسان به روایت فرسان
۲۶ خرداد ۱۳۳۹

می گفتند مهندس هستند اما جیب بر بودند

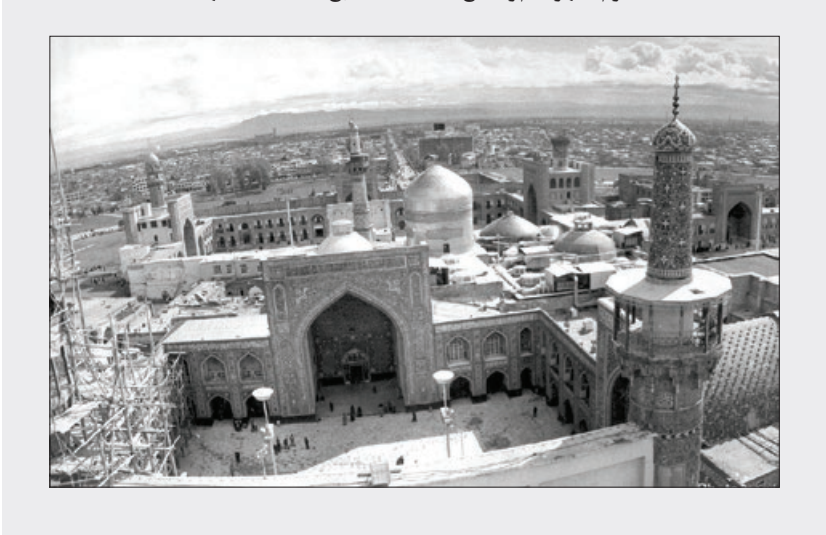
۵۷سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

دونفر جیب‌بر که خود را مهندس کشاورزی معرفی کرده بودند، به دام افتادند.

به طوری که خبرنگار ما اطلاع می‌دهد، چندی قبل اطلاع حاصل می‌شود که عده‌ای زن و مرد جیب‌بر سابقه‌دار که همه ساله به قصد ربودن وجوه زائران در مواقع زیارتی به مشهد می‌آیند، به این شهر وارد شده‌اند. دوتا از آن‌ها که حسینعلی و محمدعلی نام داشتند و خود را مهندس کشاورزی معرفی کرده‌و دارای ظاهری آراسته و شیک بودند، در یکی از هتل های مشهد اقامت کردند.

آن ها جمعه گذشته و در حین جیب بری در کوهسنگی موقعی که مردم سوار ماشین می‌شده‌اند، به وسیله ماموران دستگیر می‌شوند. چند روز قبل از آن هم بانویی به نام شوکت در حوالی حرم جیب دوز اثر تهرانی را که مبلغ ۶۰۰ریال و یک چک تضمینی همراه داشتند و می‌خواستند بلیت قطار بگیرند، زد. پس از چند ساعت مامورین او را نیز دستگیر و به دادسرا اعزام کردند. لیکن چون مدرکی وجود نداشت، وی آزاد می‌شود. او بلافاصله پس از خارج شدن از دادسرا به دکان خوار بار فروشی در نزدیکی دادسرا رفته و خواهران خود را نیز همراه می‌برد. او از دکاندار تقاضای خرید ماش می‌نماید. دو خواهر نامبرده

نمای تاریخی
<div></div> <div>حرم مطهر امام رضا (ع) - ۱۳۵۵ - منبع: دانشنامه مشهد</div>



نمای شهر مشهد از ارتفاع

نمای شهر مشهد از ارتفاع

نمای شهر مشهد از ارتفاع

<div></div> <div>مشهد</div>	<div></div> <div>تایباد</div>	<div></div> <div>تربت جام</div>	<div></div> <div>تربت‌هایدریه</div>	<div></div> <div>دَر گَز</div>	<div></div> <div>سبزوار</div>	<div></div> <div>قوچان</div>	<div></div> <div>نیشابور</div>
۲۰۰۲۵▲	۲۲۰۳۷▲	۱۹۰۳۶▲	۱۹۰۳۳▲	۲۱۰۳۷▲	۲۱۰۳۸▲	۱۲۰۳۳▲	۱۵۰۳۵▲

روزنامه خراسان رضوی: <p>رئبه یک نشریات استانی</p> <p>سردبیر: سیدعلی علوی</p>	صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان <p>مدیرمسئول: محمد سعید احدیان</p>	دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی <p>صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵</p> <p>تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۲۴۰۰</p>	نمابر دبیر خانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵ <p>پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰</p> <p>پيامک: ۳۰۰۰۹۹۹</p>	چاپ‌مشهد: شهر جاب خراسان <p>روابط عمومی: ۰۹۱۱۱-۵۱۳۷۰۰</p> <p>نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱</p>
--	--	---	---	---

یادداشت
<div><div>سعید برند</div><div>معاون سر دبیر</div></div>

از مسئولان و نمایندگان اصفهان بیاموزیم

پنج شنبه گذشته بود که «نویخت» به مشهد آمد و از «بخت» بد پروژه برقی سازی قطار مشهد- تهران گفت و سر انجام پس از کلی کش و قوس آب پاکی را بر این پروژه پسر ریخت و رفت! اگر چه پیشتر مدیرعامل شرکت راه‌آهن این بار را بر دوش کشیده و از خروج طرف چینی از این پروژه خبر داده بود، ولی ته دل مان خوش بود که هنوز آمیدی هست اما وقتی معاون رئیس‌جمهور از پرداخت حقوق کارمندان دولت از حساب ۱۰۰۰ میلیاردی سهم ایران در این پروژه خبر داد، همان جا برق مارا گرفت و فهمیدیم که قرار نیست حالا حالا‌ها قطار مشهد- تهران برقی شود و ۶ ساعته این مسیر ۹۰۰ کیلومتری را طی کنیم.

چی بود، چی شد؟

پروژه برقی سازی قطار مشهد- تهران اولین بار در بهمن ۹۰ توسط وزیر راه دولت احمدی نژاد کلنگ‌زنی شد و دوباره در بهمن ۹۴ برای تاکید بیشتر و شاید گرفتن عکس یادگاری بهتر توسط آقای روحانی!

اما باوجود پیگیری رسانه‌ای در همه این سال‌ها، دست آخر این پروژه با بدعهدی طرف چینی به گل نشست و آن طور که صحبت می‌شود، دولت برنامه جدی برای احیای این پروژه ندارد. در واقع موضع این است که حالا اگر طرف چینی آمد، سهم ۱۰۰۰ میلیاردی ایران را بر می گردانیم، اگر هم طرف چینی نیامد که فدای سرمان!

واقعیت این است که چینی‌ها محض رضای خدا فاینانس هیچ پروژه‌ای را امضای نمی‌کنند و پیگیری این امور به اصطلاح از «سر شکم سیری» کار به جایی نمی‌برد و قطعاً همت مضاعف می‌خواهد و کار دو چندان، به خصوص برای پروژه‌ای که به گفته خود جناب معاون، از پروژه‌های مورد تاکید مقام معظم رهبری هم بوده‌است.

اگر فکر می‌کنید هزینه‌ای که این پروژه ناتمام روی دست استان گذاشته است به پول همان دو عدد کلنگ بسنده می‌شود، سخت در اشتباهید چون آن طور که نماینده فریمان گزارش می‌دهد، از قبل این پروژه دو هزار میلیارد ریال متضرر شده‌ایم. چه اکنون باید مطالبه شود این است که از مسئولان استان که از سال ۹۰ تا کنون، پیشبرد این پروژه را عهده‌دار بوده‌اند، خواسته شود به مردم مشهد توضیح دهند به چه دلیلی این فاینانس محقق نشده است؟ لطفاً پای بر جام و تحریم و آن ترامپ گور به گور شده را وسط نکنند که اگر کار آن‌ها بود، مدیرعامل شرکت راه‌آهن از گشایش فاینانس چینی‌ها برای برقی سازی قطار اصفهان- تهران خبر نمی‌داد!

در حالی که موقعیت اصفهان قابل مقایسه با مشهد به عنوان یک شهر فراملی و دومین کلان شهر مذهبی جهان نیست. قطعاً اگر قرار به اولویت بندی باشد، شهری که سالانه پذیرای ۳۰ میلیون زائر از اقصی نقاط کشور و جهان است، حالا حالا‌ها اولی‌تر از اصفهان است. اما چه می‌شود که اصفهان گوی احداث قطار برقی را از مشهدی‌ها می‌رباید؟ چطور می‌شود که مسئولان ملی هم توجه بیشتری به اصفهان داشته‌اند؟

پاسخ مشخص است؛ معمولاً تیز هوشی مدیران اصفهانی و یکپار چگی و لایبی قوی نمایندگان مجلس این شهر با مسئولان استانی و کشوری زبانزد خواص است. باز جای شکرش باقی است که اصفهان قدرت رسانه‌ای مشهد را ندارد و گر نه بعید بود اجازه دهند همین اندک اعتبارات ملی هم نصیب پروژه‌های استانی ما بشود!

در پایان از برخی مدیران و مسئولان استان می‌خواهم در کنار سفرهای خارجی که گاه‌وبی‌گاه و به بهانه‌های مختلف می‌روند، یک سر هم تا همین اصفهان خودمان بروند و کمی درس آموزی کنند!

بریده کتاب

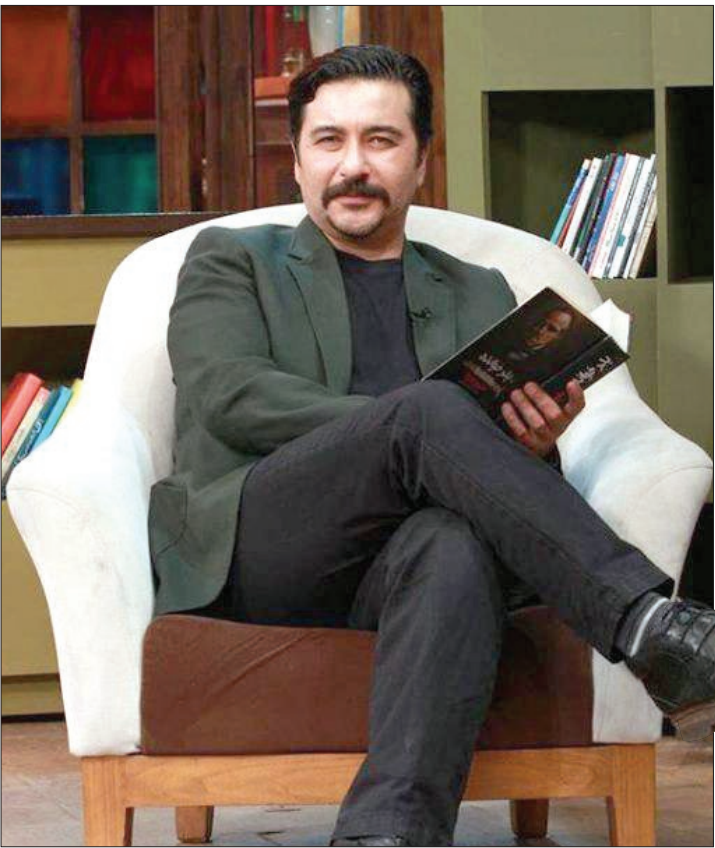
تمام آدم‌ها کور زاده می‌شوند. هیچ انسانی در دنیا از ابتدای تولدش نمی‌بیند. انسان‌ها دو چشم روشن دارند اما هیچ نمی‌بینند. از کور بودند هراسی نداشته باش. تو باید ابتدا معنای دیدن را درک کنی، قصه بینایی چیز ساده‌ای نیست. هرگز کسانی که چشم دارند، به صورت مطلق نمی‌بینند.

آخرین انار دنیا- نویسنده: بختیار علی

قصه های ناتمام
مریم اخوان

«**امیر حسین صدیق»**، **بازِ یگر سینما و تلویزیون در گفت و گوبا «خراسان رضوی»**:

غصه می‌خورم که تمام هم و غم سینما تجارت می‌شود



ارتباط ویژه‌ای بین بازیگر و تماشاجی برقرار می‌شود و بعد از هر اجرا حس بسیار خوبی برای بازیگر باقی می‌گذارد که تا مدت‌ها فراموش‌شدنی نیست. می‌خواهیم بدانیم تجربه کار در تئاتر را چه قدر در راهی که آمده، موثر می‌داند، «صدیق» در پاسخ بیان می‌کند: به شدت موثر می‌دانم. من هنوز گاهی اوقات که جلوی دوربین می‌روم می‌بینم دارم از اندوخته‌های تئاتری‌ام بهره می‌گیرم و این اندوخته‌ها را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم.

● اگر سینما همین‌روش را پیش بگیرد، نمی‌تواند از جایش بلند شود
جایی میان صحبت‌هایمان از احوال هنری می‌پرسیم که سال‌ها به آن اشتغال داشته است. او بیان می‌کند: کلافضای این عرصه چه تلویزیون و چه سینما و حتی تئاتر چه بخواهیم و چه نخواهیم، یک شو بیزینس است. درواقع تجارت نمایش است و در همه جای دنیا هم همین موضوع برقرار است، حتی در خود هالیوود. در آن‌جا هم بازیگر و نابازیگر و استار و سوپر استار دارند و گویا این مسئله ناگزیر است و حرفه بازیگری هم مجبور است به این فضا تن بدهد تا این خرجه بچرخد و از لحاظ اقتصادی این صنعت بتواند خودش را سرپا نگه‌دارد.

وی ادامه می‌دهد: برای همین من در این باره مقایسه‌ای نمی‌کنم و می‌دانم که مثلاً دلیل پر فروش شدن بعضی از فیلم‌ها طی سال‌های اخیر، شرایط خاص اجتماعی وروانی حاکم بر مخاطبان است و اقبال از آن‌ها، نیاز مردم به حساب می‌آید، اما گاهی اوقات هم که می‌بینم تمام هم و غم سینما دارد به سمت ساخت یک فضای تجاری بدون هیچ معیاری می‌رود، غصه می‌خورم. چون اگر این سینما همین‌روش را کلا پیش بگیرد، بعد ها نمی‌تواند از جایش بلند شود و به اصطلاحاً زمین می‌خورد. بازیگری هم در همین راستاست و همین اتفاق برایش افتاده است و متأسفانه به اسم کشف چهره‌های جدید، می‌بینیم افراد کار ناپلیدی وارد این حرفه می‌شوند که از حداقل معیارها هم برست‌دار نیستند. صدیق تاکید می‌کند: درست است که این وضعیت در اصطلاح «ناگزیر» است و در همه دنیا هم دارد اتفاق می‌افتد، اما فکر می‌کنم در درازمدت، جایگاه هاو معیارها در ذهن مخاطبان خودبده خود روشن‌تر می‌شود و جای‌نگرانی وجود ندارد. اما سوال آخر ما درباره پروژه‌هایی است که در دست انجام دارند و او در جواب می‌گوید:

اکنون مشغول گپ و گفت برای چند کار هستم. اما یکی از تازه‌ترین کارهایم سریال «دنیای گمشده» بود که با حضور چهره‌های مطرح سینما و تلویزیون جلوی دوربین رفت و به‌زودی برای پیش از شبکه ۲ سیما آماده‌می‌شود. فیلم «طبقه دوم» هم اثر دیگری است که در آن نقشی متفاوت دارم.

خوب فیلم بازی کنی؟! من هم فیلم‌نامه را نخوانده قبول کردم و بعد داستان‌ش را در چند خط بر ایم توضیح دادم.

وی ادامه می‌دهد: آقای ملاقلی‌پور از دید من به شدت هنرمند ذاتی و جوششی بودند که من شخصاً از همکاری با ایشان لذت بردم. قبل از این که ایشان را بشناسم خیلی‌ها می‌گفتند که مواظب باش! او سر صحنه بد اخلاقی می‌کند اما برعکس این حرف‌ها، رابطه‌شان با بازیگران بسیار عالی بود. سکانسی در فیلم بود که خانمی نقش مادر من را بازی می‌کرد و آقای ملاقلی‌پور با او کمی کل کل کرد تا نقش را برایش توضیح بدهد. هر کسی که از دور می‌دید، از لحن او فکر می‌کرد که دارد دعوا می‌کند! آن خانم هم به حساب دعوا گذاشت و کمی اشک در چشمانش جمع شد. بعد من به مر حوم ملاقلی‌پور گفتم: خب آقا، لحن شما آدم را می‌رساند! گفت: به خدا من منظوری نداشتم و خلاصه کمی شوخی کردم و خندیدیم و از دل خانم‌هنرور هم درآوردم. آقای ملاقلی‌پور اصلاً بد اخلاق نبودند اما مثل تمام فیلم‌سازان خوب ما از آن چیزی که می‌خواستند و مدنظرشان بود نمی‌گذشتند و به نوعی در کارشان جدی و متعهد بودند. از نوع کارهایشان هم معلوم است که پیای حرفی که به آن اعتقاد داشتند، می‌ایستادند و به هر شکلی پلانی را که می‌خواستند حتماً می‌گرفتند و برایش سرسختی می‌کردند. من بعد از «نسل سوخته» با خلق و خوی‌شان آشنا شدم. اما این موضوع در باره کارگردان‌های مختلفی صدق می‌کند مثلاً در باره خانم برومند هم همین‌را می‌گفتند که او سر صحنه بد اخلاق و عیوس است. اما من که با ایشان کار کردم می‌دانم اصلاً این‌طور نیست و بیشتر در کارشان جدی هستند.

● اندوخته‌های تئاتری‌ام را هرگز فراموش نمی‌کنم
صحبت بعدی ما با این بازیگر، از مدیوم‌های مختلفی است که در آن‌ها حضور داشته، از صحنه تئاتر تا پرده سینما و این که کدام برای او جذاب‌تر است. مکتی می‌کند و در جواب می‌گوید: راستش را بخواهید، کار در سینما به دلیل زمان کمتری که صرفش می‌شود تکنیکی بودن کار، به هر حال برای یک بازیگر راحت‌تر است، چون تکلیف بازیگر معلوم است که برای چه بازه‌ زمانی باید کار کند. اما کار در سریال مثل دوی مارا تن است که دوندۀ (یا همان بازیگر) باید نفس اش را در سینه نگه‌دارد که آخر کار کم‌نیاورد و ظرفیت اعصاب و روان او را کورد نقش را بتواند همزمان حفظ کند. اما تئاتر حس و حال جداگانه‌ای دارد که منحصر به فرد است و با سینما و تلویزیون اصلاً قابل مقایسه نیست و من هم کارم را با تئاتر شروع کردم. در تئاتر

امیرحسین صدیق در اولین تداعی ذهنی، باسریال پربیننده «قصه‌های تابه‌تا» و نقش «آقای پدر» یا «بابای آسی پولیکا» ساخته «مرضیه برومند» به‌یادمی‌آید که از شبکه ۲ و در دهه ۷۰ پخش می‌شد و حالا نوستالژی نسلی است که خود پدر و مادر شده‌اند. اما او کارش را در حیطه بازیگری باحضور در تئاتر و کار با داوود رشیدی، هر مز هدایت و هنرمندان دیگر عرصه نمایش آغاز کرد و خیلی‌زود توانست در سینما و تلویزیون با نقش‌های مختلفی در آذهـان مانـدگار شود. «صدیق» با تکیه بر توانایی‌های فردی و تجربیاتی که از زمان کار در تئاتر کسب کرده بود، توانست در حدود سه دهه فعالیت هنری در سینما و تلویزیون با کارگردانانی نظیر کیانوش عیاری، رسول ملاقلی‌پور، فرزاد موتمن، کیومرث پوراحمد، سیروس الوند و بسیاری دیگر همکاری کند. امیرحسین صدیق همچون اغلب نقش‌هایش، فردی گشاده‌رو و اخلاق مدار است که با خوشرویی همیشگی‌اش، پذیرای ماشد برای ثبت مصاحبه‌ای که در آن از تجربیات خواندنی‌اش در سینما، تئاتر و تلویزیون می‌گوید و همچنین از نگاهش به فضای فعلی بازیگری و کارهای اخیرش. مصاحبه‌ای که در ادامه از نظر تان می‌گذرد:

● استرس کنکور و اولین نقش سینمایی

حرف اول ما با او از نخستین حضور سینمایی‌اش در فیلم «قالقه» مجید جوانمرد و حس‌ی است که برای نخستین بار مقابل دوربین تجربه کرد. مکتی می‌کند و در جواب می‌گوید: «من در تئاتر پیروزی در شیکاگو» ساخته درخشان زندیاد داوود رشیدی، دستیار و برنامهریز بودم که برای بازی در یک نقش کوتاه در فیلم «قالقه» آقای مجید جوانمرد معرفی شدم. در اولین واکنش، خیلی ذوق زده شدم و خاطرم هست که اتفاقاً پیشهاد کار در این فیلم مصادف شد با امتحان کنکور و مدام نگران بودم که به خاطر امتحان، بازی در فیلم را از دست بدهم. چون این فیلم در یکی از روستاهای اطراف اصفهان فیلم برداری می‌شد و باید فاصله‌ای را طی می‌کردم تا به گروهِ ملحق شوم. خلاصه به محض این که امتحان کنکور را اداام رفتم پایانه جنوب و سوار اتوبوس شدم و راه افتادم به سمت اصفهان. جالب است که با هزینه خود لباس‌های نقشم را هم خریداری کرده بودم که یک شلوار جین و پیراهن بود! بالاخره به سر صحنه رفتم. اول از همه دیدن آقای جمشید هاشم‌پور و کارشناسان دفع آفات ایران و شوروی ماموریت داشتند از نقاط مرزی مشترک دو کشور که آلوده به ملخ بود، بازدید نمایند. به قرار اطلاع، نامبردگان پس از بازدید از نقاط آلوده به ملخ از طریق گنبد کاووس، بجنورد، قوچان به مشهد وارد شدند و پس از دوروز توقف به بخش مرزی سرخس عزیمت کردند و از آن‌جا به کشور خود رهسپار شدند.

● تجربه دوربین کارگردان‌های نامدار

از کارگردان‌هایی می‌پرسیم که با آن‌ها کار کرده است. اغلب نامدار هستند اما شباهل آن‌ها پشت دوربین و در وقت کار، متفاوت از ذهنیت مخاطبان است. مثلاً مرحوم رسول ملاقلی‌پور که می‌گفتند بد اخلاق و جدی بوده، از او می‌پرسیم این جنس ذهنیت‌ها چه قدر درست است؟ در پاسخ بیان می‌کند: من آقای ملاقلی‌پور را از قبل تر می‌شناختم آن هم به واسطه آشنایی‌شان با خانم برومند و سیامک انصاری. قبل از بازی در فیلم «میم مثل مادر» تجربه همکاری در یک اپیزود از فیلم «نسل سوخته» آقای ملاقلی‌پور را هم داشتم. خاطرم هست که برای فیلم «میم مثل مادر» آقای ملاقلی‌پور با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهی در تنها نقش مرد

امیرحسین صدیق در فیلم «طبقه دوم»

امیرحسین صدیق در فیلم «طبقه دوم»

امیرحسین صدیق در فیلم «طبقه دوم»